



«جامه‌هایتان را بشوید که کفن‌هایتان می‌شود»

تاسوعای حسینی آغاز می‌شود، روزی که حضرت عباس ساقی تشنگان حرم حسینی شد و با برادرانش امان‌نامه شمر را نپذیرفت. امام حسین دستور داد با آبی که حضرت علی‌اکبر(ع) آورده بود غسل شهادت کنند.

تاسوعای حسینی آغاز می‌شود، روزی که حضرت عباس ساقی تشنگان حرم حسینی شد و با برادرانش امان‌نامه شمر را نپذیرفت. امام حسین دستور داد با آبی که حضرت علی‌اکبر(ع) آورده بود غسل شهادت کنند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، روزشمار عاشورا روزشمار یک واقعه خاص نیست، زیرا که هر سرزمینی کربلا و هر زمانی عاشوراست. توجه به ابعاد رویدادهایی که در یک روز می‌افتد، چهره‌ای ملموس از امری تاریخی نشان می‌دهد، رویدادی که تاریخی پس از خود را شکل داده است. آنچه عاشورا را به یک واقعیت جاودانه تبدیل می‌کند، پیام‌هایی است که در این واقعیت نهفته است، بی‌شک برای بیان این پیام‌ها باید بسیار اندیشید، اما نفس وقایع مواد خام اندیشه هستند، وقایعی که بر محور امام حسین(ع) روی داده‌اند.

تاسوعای محرم حضرت عباس به سپاه حسین(ع) آب آورد و امام(ع) از سپاه عرسعد یک روز وقت گرفت تا به عبادت بپردازد، ایشان همچنین آخرین تدابیر نظامی را انجام دادند.

وقتی حضرت عباس(ع) برای اهل حرم آب آورد

محاصره آب ادامه داشت و تشنگی بر امام(ع) و یارانش شدت یافت. حضرت عباس(ع) با 30 تن سوار و 20 پیاده و 20 مشک شبانه راهی فرات می‌شوند.

نافع بن هلال جملی با پرچمی پیشاپیش این گروه حرکت می‌کرد تا به نزدیکی شریعه رسیدند. عمرو بن حجاج که مأمور بستن شریعه بود پرسید کیستی که نافع خود را معرفی کرد و گفت پسر عموی تو هستم و آمده‌ام از آبی که ما را منع کردی بنوشم، عمرو گفت گوارایت بنوش. نافع در ادامه گفت که وای بر تو! چگونه به من می‌گویی بنوش در حالی که حسین بن علی(ع) و یارانش از تشنگی هلاک می‌شوند.

عمرو مانع از این کار می‌شود، نافع به نیروهای پیاده گفت تا مشک‌ها را پر کنند، آنها داخل شریعه شدند و مشک‌ها را پر کرده و خارج شدند، عمرو بن حجاج مانع راه ایشان شد، عباس بن علی(ع) و نافع و نیروهای سوار به نیروهای محافظ شریعه حمله کرده و راه را باز کردند. در این منازعه چند تن از سپاه کوفه کشته شد، اما یاران حسینی به سلامت بازگشتند. با سیراب کردن کاروان حسینی عباس(ع) اهل حرم ایشان را سقا و ابوالقربه خواندند. میزان آخرین آب کاروان حسین(ع)

در کتاب اولی روزشمار جامع تاریخ عاشورا در خصوص میزان آخرین کتاب کاروان امام حسین(ع) می‌خوانیم: طبق بررسی‌های میدانی، حجم مشک‌های آب موجود، حدود 5 تا 30 لیتر است. اما با توجه به وضعیت جنگی، استفاده از مشک‌هایی با حجم بیشتر از ده لیتر، توسط سپاهیان امام(ع) برای آوردن آب، غیر منطقی به نظر می‌رسد. طبق آمار موجود تعداد افراد همراه امام(ع) هنگام ورود به کربلا 100 نفر پیاده و 45 نفر سوار بوده‌اند که با احتساب حداقل 60 زن و کودک، مجموع افراد کاروان امام(ع) بیش از 200 نفر تخمین زده می‌شود. با این احتساب 20 مشک آب برای این تعداد، یعنی حدود 50 تا حداکثر 200 لیتر آب برای 200 نفر، این مقدار تقریباً حدود یک یا دو لیوان برای هر نفر می‌شود که تاثیری در رفع تشنگی کاروان امام(ع) نداشت.

بازگشت شمر به کربلا

عصر روز نهم محرم شمر با نامه‌ای از حاکم کوفه به کربلا رسید و نامه ابن‌زیاد را به عرسعد داد. فرمانده سپاه اموی به شمر گفت به‌خدا خوش نیامدی ای ابرص(ابرص کسی است که دارای لک و پیس در چهره باشد). خدا خانه‌ات را نزدیک نکند و مزارت را دور قرار دهد و آنچه را به خاطر آن آمده‌ای، زشت بدارد. می‌دانم تو نگذاشتی آنچه به او نوشتم بپذیرد و کاری را که امیدوار بودم اصلاح شود تو به تباهی کشاندی. به خدا قسم حسین تسلیم نمی‌شود و جان پدرش در سینه اوست.

شمر گفت، به من بگو چه خواهی کرد؟ اگر فرمان امیرت را اجرا نمی‌کنی و با دشمنش نمی‌جنگی، سپاه و لشکر را به من واگذار. ابن سعد گفت نه، این کرامت را به تو نمی‌دهم؛ چنین نمی‌کنم و خود آن را بر عهده می‌گیرم. تو فرمانده پیاده‌ها باش.

محاصره امام به روایت کافی

کلینی از جعفر بن محمد (ع) روایت کرده است که فرمود: تاسوعا روزی است که حسین (ع) و یارانش - که خدا از آن‌ها راضی باشد - در آن روز تاسوعا در کربلا محاصره شدند و سپاه شام بر آن‌ها گرد آمدند و ابن‌مرجانه و عمر سعد به دلیل فراوانی سپاه مسرور شدند و حسین (ع) و یارانش را ضعیف شمردند و یقین کردند که دیگری یآوری برای حسین (ع) نخواهد آمد و اهل عراق او را یاری نخواهند کرد. پدرم فدای آن ضعیف غریب.

امان‌نامه شمر به حضرت عباس (ع) و برادرانش
شمر بن ذی الجوشن روز مقابل اردوگاه امام (ع) ایستاد و فرزندان خواهرش را طلبید.

خواهر شمر فاطمه نام داشت و امام علی (ع) پس از حضرت فاطمه (س) با وی ازدواج کرده بود. نتیجه این ازدواج چهار پسر به نام‌های عباس (ع)، عون، جعفر و عثمان بود که بزرگترین آن‌ها عباس (ع) بود. فاطمه را به علت داشتن این چهار پسر، امّ البنین (مادر پسران) نامیده‌اند. امّ البنین آن چنان به امیرالمؤمنین وفادار بود که پس از شهادت آن حضرت، شوهر دیگری اختیار نکرد با آن که بیش از بیست سال پس از آن حضرت زنده بود. حضرت عباس (ع) و برادرانش نمی‌خواستند جواب شمر را بدهند، اما به توصیه امام حسین (ع) در مقابل شمر حاضر شدند. شمر گفت که فرزندان برادرش در امام هستند به شرط آن‌که به جانب ایشان بروند. پاسخ مشخص بود. آنها به شمر گفتند که نمی‌پذیرند که در امان باشند و فرزند رسول‌الله در معرض خطر باشد.

«مهلتی بگیر تا قدری نماز، دعا و استغفار کنم»
امام حسین (ع) به برادر خود حضرت ابوالفضل (ع) فرمود: بسوی ایشان برو و از آنان مهلتی بخواه تا که امشب را صبر کنند و کارزار را به فردا اندازند تا امشب قدری نماز، دعا و استغفار کنم. چه آن که خدا می‌داند که من نماز، تلاوت قرآن، کثرت دعا و استغفار را دوست می‌دارم.
و از آن سوی اصحاب عباس (ع) در مقابل آن لشکر توقف نموده بودند و ایشان را موعظه می‌کردند تا عباس (ع) برگشت و از ایشان طلب مهلت کرد.

عمر سعد پیامی به حضرت ابوالفضل (ع) داد و گفت: برای آن حضرت که یک امشب را به شما مهلت می‌دهیم. بامدادان اگر سر به فرمان درآورید شما را به نزد پسر زیاد کوچ خواهیم داد و گرنه دست از شما برنخواهیم داشت و فیصله امر را بر ذمت شمشیر خواهیم گذاشت. در این هنگام دو لشکر به آرامگاه خود بازگشتند.
امام حسین (ع) خطاب به یارانشان عاقبت این واقعه را ترسیم کردند و اهل بیت (ع) و یاران حضرت پس از شنیدن خطبه حضرت از همه چیز جز بهره شهادت در رکاب امام دست برداشتند و در جواب به حضرت از هم پیشی می‌گرفتند که ما هرگز شما را ترک نمی‌کنیم و بر پیمان و سوگند خویش وفاداریم.

آخرین تدابیر نظامی
امام چون از هدایت سپاه اموی ناامید شد و دانست که با او می‌جنگند رو به اصحاب خود فرمود: برخیزید و دور خیمه‌ها گودالی همچون خندق حفر کنید و در آن آتش افزویید تا با اینان از یک رو درگیر شویم. در نقل دیگری آمده است امام حسین (ع) به سوی اصحاب خود آمده و فرمود مکان خیمه‌ها را به هم نزدیک و طناب‌ها را درهم کنند و خود در درون جا می‌گیرند تا خیام از هر سو بر آنان احاطه کنند مگر از آن سو که با دشمن روبرو شوند.

«جامه‌هایتان را بشویید که کفن‌هایتان می‌شود»
طبق روایتی، امام حسین (ع) در این شب، حضرت علی‌اکبر (ع) را با سی‌سوار و بیست پیاده فرستاد که چند مشک آب آوردند. پس اهل بیت (ع) و اصحاب خود را فرمود: از این آب بیاشامید که آخر توشه شماست و وضو سازید و غسل کنید و جامه‌های خود را بشویید که کفن‌های شما خواهد بود.
روایت شده است که در آن شب سی و دو نفر از لشکر عمر بن سعد به امام (ع) ملحق شدند و سعادت ملازمت آن حضرت را اختیار کردند.